

آیا تشیع جعفری با تشیع علوی متفاوت است؟ ۶.....

توضیح سؤال: ۶.....

مقدمه: ۶.....

سؤال اول: بررسی پندار تضاد شیعه علوی بودن با گرفتن فقه از امام صادق

علیه السلام ۷.....

پاسخ اجمالی ۸.....

پاسخ تفصیلی: ۸.....

مطلب اول: بیان معنای لغوی واصطلاحی شیعه ۸.....

معنای لغوی: شیعه به معنای نصرت، توافق، پیروی و یار و هوادار و

تابع و ۸.....

شیعه به معنای یار، هوادار و تابع ۹.....

معنای اصطلاحی شیعه: (معتقدین به امامت و خلافت بلافصل

امیرالمومنین و فرزندان ایشان) ۱۰.....

شیخ مفید: تبعیت از امام علی علیه السلام و نفی امامت از دیگران

۱۰.....

ابن منظور: شیعه اسم خاص برای پیروان علی علیه السلام و اهل

بیت علیهم السلام ۱۱.....

ابن خلدون: شهرت اصطلاح شیعه در میان فقها و متکلمین برای

پیروان امیرالمومنین علیه السلام ۱۲.....

- شهرستانی : شیعه عمل کنندگان به وصیت رسول خدا ۱۲
- شیعه بودن بزرگان صحابه مانند عمار و ابوطفیل و... ۱۳
- بزرگان صحابه شیعه و تربیت یافته پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۷
- رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام محوریت
شیعه ۱۸
- آغاز شهرت تشیع از زمان شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۸
- مطلب دوم: پیشینه لغت «شیعه» در زمان حیات پیامبر ۲۰
- شیعیان مشمول رضایت و خشنودی الهی ۲۰
- شیعیان، پیشوای پرهیزگاران ۲۱
- شیعیان راضی و دشمن امیرالمومنین سیه رو و خشمگین ۲۲
- علی و شیعه هم الفائزون در منبع عامه: ۲۴
- طریق اول: ۲۵
- طریق دوم: ۲۶
- طریق سوم: ۲۷
- طریق چهارم: ۲۷
- تصحیح روایت «حدیث ابی» توسط مرحوم مجلسی رضوان الله علیه
..... ۲۸
- نتیجه گیری از تعدد طرق این روایت: ۲۹
- حجیت روایت مستفیض در کلام بزرگان شیعه ۲۹

- ۲۰..... محقق کرکی
- ۲۰..... صاحب جواهر
- ۲۱..... علي و شیعه هم الفائزون در منبع شیعه:
- مطلب سوم: شروع امامت الهی از امیر مؤمنان و ختم آن به امام زمان
- ۲۲.....(علیهم السلام)و ثابت بودن روش همه اهل بیت علیهم السلام
- ۲۳..... اتفاق بر تعداد امامان بعد پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۳..... بیان اسامی اهل بیت علیهم السلام و لزوم شناخت امام
- صدق عنوان تشیع در گروهی شناخت همه امامان و اطاعت از همه آنها
- ۲۵.....(به صورت جمعی)
- ۳۶..... تصحیح روایت توسط مرحوم مجلسی
- ۳۶..... خروج از تشیع با عدم شناخت هرکدام از امامان
- ۳۷..... امامان شرکاء و همراهان یکدیگر در امامت
- ۳۹..... بررسی سندی این روایت
- ۳۹..... ۱۲ نفر، مشترک در خلقت، وظیفه و نام
- ۴۱..... ائمه وارثان رسول الله صلی الله علیه و آله
- ۴۴..... حجت بودن و همگام بودن همه ائمه با قرآن
- روایت اول : ائمه شاهد بر خلق و حجت خدا در زمین و همراه قرآن
- ۴۴..... هستند و قرآن نیز با آنها است .
- ۴۵..... روایت دوم: حدیث ثقلین

یکسان بودن کلام هر کدام از اهل بیت با یکدیگر و با روایت رسول اکرم

صلی الله علیه و آله..... ۴۸

تصحیح روایت توسط مرحوم مجلسی رضوان الله علیه..... ۴۹

نتیجه گیری این بخش : ۵۰

مطلب چهارم: نقش تاریخ و زمان در شهرت عنوان (جعفری)..... ۵۰

کاهش محیط اختناق در زمان امام صادق علیه السلام..... ۵۰

ظهور مکاتب انحرافی و مقابله امام صادق علیه السلام با آنان..... ۵۱

معرفی منحرفین و افکار آنها به مسلمانان..... ۵۲

تربیت شاگردان بارز و کارآموده توسط امام صادق علیه السلام..... ۵۳

نتیجه..... ۵۴

سؤال دوم : ۵۴

پاسخ اجمالی:..... ۵۵

پاسخ تفصیلی:..... ۵۵

حدیث ثقلین:..... ۵۵

حدیث ثقلین در منابع عامه با سند صحیح..... ۵۶

تصحیح روایت ثقلین توسط البانی..... ۵۶

پیام ها و مدلول های حدیث ثقلین..... ۵۷

اعتراف اهل سنت و وهابیت به بهره گیری شیعیان و از مکتب اهل بیت

علیهم السلام..... ۶۰

٦٠.....الباني وهابي

٦١.....صالح هيران (از نويسندگان اهل سنت):

٦٢.....نتيجه :

آیا تشیع جعفري با تشیع علوي متفاوت است؟

توضیح سؤال:

يکي از استادان دانشگاه سوالي را مطرح کردند که من نتوانستم جوابش را ارائه

کنم:

چرا باید پیروان امام جعفر صادق عليه السلام، شیعه باشند؟ من به ثبوت می‌گویم هر کس بر عقیده (امام علي و امام جعفر ص ادق عليهما السلام) باشد، شیعه نیست! اگر تشیع پیروان حضرت علي عليه السلام باشند و به اساس عقیده‌ی امام جعفر صادق عليه السلام از دین پیروي نمایند، پس تشیعی وجود ندارد، اگر دارد باید اعمال شان را با سند ثابت نمایند؛ یعنی باید اثبات نمایند که فقه تشیع بر گرفته از عقیده امام علي عليه السلام و اهل بیت است.

کارکردهای امروز تحت نام تشیع، هیچ رابطه با اهل بیت ندارد. و اهل بیت آینه منهج بوده اند.

لطفاً جواب را مفصلاً ارائه نمائید تا بنده برایش جواب را ارائه بدارم.

اللهم عجل لوليک الفرج.

مقدمه:

در مطالب ارسالی، دو سؤال وجود دارد که ابتدا آن را تفکیک نموده و پس از آن

پاسخ خواهیم داد.

در قسمت نخست، این شبهه پیش آمده است که اگر کسی شیعه و پیرو امیرمؤمنان علیه السلام باشد، چگونه می‌تواند عقیده‌ی خود را از امام صادق علیه السلام بگیرد، گویا ایشان عقیده‌ی علوی و جعفری را در تضاد می‌بیند از این رو می‌گوید:

«هر کس بر عقیده (امام علی و امام جعفر صادق علیهما السلام) باشد، شیعه نیست، اگر تشیع پیروان حضرت علی علیه السلام باشند و به اساس عقیده‌ی امام جعفر صادق علیه السلام از دین پیروی نمایند، پس تشیعی وجود ندارد».

در قسمت دوم این سؤال مطرح شده است که: «کارکردهای امروز تحت نام تشیع هیچ ربطی با اهل بیت ندارد. و اهل بیت آینه منهج بوده اند.» از این دو سؤال، ابتدا پاسخ اجمالی و بعد از آن تفصیلاً پاسخ خواهیم داد.

سؤال اول: بررسی پندار تضاد شیعه علوی بودن با

گرفتن فقه از امام صادق علیه السلام

در قسمت اول، این سؤال مطرح شده است:

«هر کس بر عقیده (امام علی و امام جعفر صادق) باشد، شیعه نیست، اگر تشیع پیروان حضرت علی علیه السلام باشند و به اساس عقیده‌ی امام جعفر صادق علیه السلام از دین پیروی نمایند، پس تشیعی وجود ندارد».

پاسخ اجمالی

بررسی متون تاریخی، لغوی و حدیثی مشخص می کند که شیعه به معنای پیروان و هواداران پیامبر و اهل بیت علیهم السلام می باشد؛ سابقه این تعبیر به زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله برمیگردد و بعد از حیات ایشان نیز برای هر کدام از اولاد امیرالمومنین علیه السلام، عنوان امام و برای پیروان ائمه علیهم السلام عنوان شیعه به کار رفته است، در این میان عوامل زمانی و اجتماعی و.. سبب شده است که شیعه با عنوان جعفری شهرت بیشتری پیدا کند، ولی ادله متعدد ثابت می کند این شهرت، دلیل تبعیت از یک امام و رها کردن امامان دیگر نمی شود و شیعیان همه ائمه را به عنوان حجت های الهی می شناسند.

پاسخ تفصیلی:

پاسخ این سوال در ضمن چند بخش بیان می شود.

مطلب اول: بیان معنای لغوی و اصطلاحی شیعه

معنای لغوی: شیعه به معنای نصرت، توافق، پیروی و یار و هوادار و تابع و ...

واژه‌ی شیعه در لغت به معنای متابعت و پیروی، نصرت و یاری کردن و توافق در

قول یا عمل است، ابن منظور، در کتاب «لسان العرب» به این مطلب تصریح می کند:

الشیعة: کل قوم اجتمعوا علی أمر فهم شیعة، وکلّ قوم أمرهم واحد یتبع بعضهم رأی

بعض فهم شیعة، والجمع شیع.

الأفريقي المصري، جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور (متوفى ٧١١هـ)، لسان العرب، ٨، ١٨٨، مادة :

شيع ناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى.

هر گروهی که بر یک دیدگاه و یا امر واحدی اجتماع داشته باشند و برخی از نظر برخی دیگر پیروی نمایند؛ به آنها شیعه می‌گویند و جمع آن نیز «شیع» است.

شیعه به معنای یار، هوادار و تابع

طریحی یکی دیگر از لغت شناسان، شیعه را به معنای تابع، یار و هوادار معنا کرده است:

الشَّيْعَةُ: الأتباع و الأعوان و الأنصار مأخوذ من الشیاع، و هو الحطب الصغار التي تشتعل بالنار و تعین الحطب الکبار علی إيقاد النار، وکل قوم اجتمعوا علی أمر فهم شیعة. ثمّ صارت الشیعة جماعة مخصوصة.

الطریحی، فخرالدین (متوفای ١٠٨٥هـ)، مجمع البحرین، ج ٤ ، ص ٣٥٦تحقیق: السید أحمد الحسینی،

ناشر: مکتب النشر الثقافة الإسلامیة، الطبعة الثانية ١٤٠٨ -

شیعه به معنای پیروان، یاران و هواداران می باشد و از شیاع گرفته شده است و آن هیزم کوچکی است که با آتش شعله ور می‌شود و به هیزم بزرگ، برای برافروخته شدن کمک می‌کند و به هرگروهی که اتفاقی بر یک عقیده و امر داشته باشند، شیعه می‌گویند؛ سپس این اصطلاح به عنوان نام، برای گروه خاص شد.

بنا به دیدگاه این دو لغت شناس مشهور، اجتماع و اتفاق بر یک دیدگاه و هواداری از یک عقیده، معیار برای صدق عنوان شیعه می‌باشد.

معناي اصطلاحی شيعه: (معتقدين به امامت و خلافت بلافضل اميرالمومنين و فرزندان ايشان)

در اصطلاح، اگر واژه «شيعه» بدون الف و لام به کار رود، معناي گسترده اي دارد و به هر فردي اطلاق مي شود که از شخص ديگر يا مذهب و طريقتي پيروي مي کند. اما اگر با الف و لام (الشيعه) گفته شود، به گروهی از امت اسلامي که به امامت و خلافت بلا فضل اميرمؤمنان عليه السلام و فرزندان آن حضرت اعتقاد دارند، اطلاق مي شود.

شيخ مفيد : تبعيت از امام علي عليه السلام و نفي امامت از ديگران

شيخ مفيد رحمه الله عليه، شيعه را به عنوان تابعان اميرالمومنين عليه السلام و اولاد ايشان و معتقدين به امامت بلافضل ايشان معرفي مي کند:

فأما إذا أدخل فيه علامة التعريف فهو على التخصيص لا محالة لاتباع أمير المؤمنين - صلوات الله عليه - على سبيل الولاء والاعتقاد لإمامته بعد الرسول - صلوات الله عليه وآله - بلا فصل ونفي الإمامة عن تقدمه في مقام الخلافة .

البغدادي، الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله، العكبري، (متوفاي ٤١٣هـ)

أوائل المقالات، ص ٢٥ تحقيق: الشيخ إبراهيم الأنصاري، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت -

لبنان، الطبعة الثانية ١٤١٤ - ١٩٩٣م

هرگاه علامت معرفه (الف و لام) بر واژه روي «شيعه» وارد شود، بدون شك فقط به پيروان اميرالمومنين عليه السلام اطلاق مي گردد، كساني كه معتقد به ولايت و

امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند و امامت افرادی را که قبل از امیرالمؤمنین علیه السلام ، خلافت می کردند، نفي می کنند. البته پیروى مطلق از امیرمؤمنان علیه السلام، مستلزم پذیرش امامت یازده امام بعد از ایشان می باشد.

ابن منظور : شیعه اسم خاص برای پیروان علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام

«ابن منظور» در لسان العرب، لغت شیعه را اسم، عنوان و اصطلاح برای موالیان علی علیه السلام و خاندان ایشان معرفی می کند.

اصلُ الشَّيْعةِ الفِرقةُ من الناس ، ويقع على الواحد والاثنين والجمع والمذكر والمؤنث بلفظ واحد ومعنى واحد ، وقد غلبَ هذا الاسم على من يتوالى عَلياً وأهلَ بيته ، رضوان الله عليهم أجمعين ، حتى صار لهم اسماً خاصاً فإذا قيل : فلان من الشَّيْعة عُرف أنه منهم

محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصري الوفاة: ۷۱۱ ، لسان العرب ج ۸ ص ۱۸۹ ، دار النشر : دار

صادر - بیروت ، الطبعة : الأولى

اصل شیعه به معنای گروهی از مردم می باشد و شیعه در مفرد، مثنی، جمع، مونث و مذکر با لفظ یکسان می آید و واژه «شیعه» در مورد کسی که ولایت علی و اهل بیت ایشان(علیهم السلام) _ که خدا از ایشان راضی باشد _ را پذیرفته باشند، بیشتر به کار می رود و این مقدار استفاده در حدی بوده که سبب شده لقب «شیعه» به عنوان نام اختصاصی این دسته به حساب آید، به طوری که وقتی گفته میشود فلانی شیعه است، دانسته می شود او از پیروان اهل بیت علیهم السلام می باشد.

ابن خلدون : شهرت اصطلاح شيعه در ميان فقها و متكلمين براي پيروان اميرالمومنين عليه

السلام

ابن خلدون، شيعه را داراي معنای مشهور در ميان فقها و متكلمين معرفي مي

كند

اعلم أن الشيعة لغة هم الصحب والأتباع ويطلق في عرف الفقهاء والمتكلمين من

الخلف والسلف على اتباع علي وبنيه رضي الله عنهم

عبد الرحمن بن محمد بن خلدون الحضرمي الوفاة: ٨٠٨ ، مقدمة ابن خلدون ج ١ ، ص ١٩٦ دار النشر :

دار القلم - بيروت - ١٩٨٤ ، الطبعة : الخامسة

«شيعه» در لغت به معنای همراهان و پيروان مي باشد و در اصطلاح فقها و

عالمان علم كلام در گذشته و حال، به معنای پيروان علي و فرزندان ايشان(عليهم

السلام) مي باشد.

شهرستاني : شيعه عمل كنندگان به وصيت رسول خدا

شهرستاني، عالم مشهور اهل سنت، هواداران و ياوران امام علي عليه السلام

كه ايشان را، براساس وصيت پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله، امام خود مي دانند،

شيعه معرفي مي كند:

الشيعة هم الذين شايعوا علياً عليه السلام على الخصوص وقالوا بإمامته وخلافته نصاً

ووصية، إما جلياً وإما خفياً، واعتقدوا أن الإمامة لا تخرج من أولاده، وإن خرجت فبظلم يكون

من غيره أو تقيه من عنده ، وقالوا : ليست الإمامة قضية مصلحة تناط باختيار العامة، وينتصب

الإمام بنصبهم ، بل هي قضية أصولية ، وهي ركن الدين لا يجوز للرسول إغفاله وإهماله ، ولا تفويضه إلى العامة وإرساله .

الشهرستاني، محمد بن عبد الكريم بن أبي بكر أحمد (متوفى ٥٤٨هـ)، الملل والنحل، ج ١، ص ١٤٤،

تحقيق: محمد سيد كيلاني، ناشر: دار المعرفة - بيروت - ١٤٠٤هـ.

افرادي که به طور خاص از علي عليه السلام پیروي مي کنند شیعه نام دارند؛ آنان قائل به امامت و خلافت علي عليه السلام براساس وصیت پیامبر اکرم(صلي الله عليه و آله) و روایات هستند؛ البته این روایات، گاهی با صراحت تمام و گاهی نیز به صورت غیر آشکار (با کنایه) می باشد، همچنین معتقد هستند که امامت از فرزندان [حضرت] علي [عليه السلام] خارج نمی شود؛ اگر امامت از این دایره خارج شود و به کسی دیگر برسد، یا به واسطه ظلم افراد دیگر است یا به جهت تقیه و حفظ جان از جانب آن فرد علوي می باشد؛ شیعیان بر این عقیده هستند امامت از قبیل اموري نیست که عموم مردم به واسطه مصلحت، در موردش تصمیم بگیرند و امام را منصوب کنند، بلکه قضیه اي بنیادین و مهم است که رکن و اصل دین می باشد و برای پیامبران جایز نیست که از آن غافل شوند و نسبت به آن اهمال کند و جایز نیست به مردم واگذار کند.

شیعه بودن بزرگان صحابه مانند عمار و ابوطفیل و...

علاوه بر مطالب بیان شده در مورد شیعیان و جایگاه آنها؛ در زمان پیامبر نیز تعداد

زیادی از صحابه از شیعیان امیر مؤمنان عليه السلام بوده اند و به وصیت رسول خدا

صلي الله عليه و آله عمل کرده اند و همین معنای اصطلاحی بیان شده در موردشان

مصدق و مفهوم پیدا کرده است، در اینجا به دو نقل بسنده می کنیم:

محمد کرد علی یکی از علمای اهل سنت، تصریح می کند که بسیاری از صحابه

مانند عمار، حذیفه و ابوذر غفاری تابع و عمل کننده به تمام ارکان دین از جمله ولایت

بوده اند:

عرف جماعة من كبار الصحابة بموالاته علي في عصر رسول الله صلى الله عليه وسلم

مثل سليمان الفارسي القائل : بايعنا رسول الله على النصح للمسلمين والائتمام بعلي بن

أبي طالب والموالاته له . ومثل أبي سعيد الخدري الذي يقول : أمر الناس بخمس فعلموا بأربع

وتركوا واحدة . ولما سئل عن الأربع قال : الصلاة والزكاة وصوم شهر رمضان والحج قيل : فما

الواحد التي ترموها ؟ قال : ولاية علي بن أبي طالب قيل له : وإنما لمفروضة معهن قال : هي

مفروضة معهن . ومثل أبي ذو الغفاري وعمار بن ياسر وحذيفة بن اليمان وذي الشهادتين

خزيمة بن ثابت وأبي أيوب الأنصاري وخالد بن سعيد بن العاص وقيس ابن سعد عبادة وكثير

أمثالهم.

محمد بن عبد الرزاق بن محمد ، كُرْد عَلِي (المتوفى : ١٣٧٢هـ)، خطط الشام ج ٦، ص ٢٤٥، ناشر

مكتبة النوري، دمشق.

جمعیتی از بزرگان صحابه در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله به موالات و

دوستی با علی(علیه السلام) شناخته می شدند، مانند سلمان فارسی که می گفت

که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردیم تا در خیرخواهی و نشان دادن راه به

مردم کوتاهی نکرده باشیم و همچنین در مورد امام قرار دادن علی بن ابیطالب [علیهما

السلام] و دوستي با او (يعني همين كار را انجام داديم و با او بيعت كرديم)؛ ابو سعيد خدري نيز گفت كه مردم به ۵ مساله امر شدند كه به ۴ مورد آن عمل كردند و يكي از آن ها را رها كردند، وقتي در مورد آن ۴ چيز از او سوال شد، گفت نماز و زكات و روزه ماه رمضان و حج و سوال شد، آن مورد ي كه رها شد (مردم عمل نكردند) کدام بود؟ ابو سعيد گفت: آن يك مورد ولايت اميرالمومنين (عليه السلام) بود، از او سوال كردند كه ولايت با آن موارد واجب بود؟ گفت بله ولايت نيز در کنار آن موارد واجب بود و مانند (مانند سلمان كه معتقد به ولايت اميرالمومنين بود)، ابوذر غفاري و عمار ياسر و حذيفه بن يمان و ذي الشهادتين، خزيمه بن ثابت و ابو ايوب انصاري و خالد بن سعيد انصاري و خالد بن سعيد بن العاص و قيس ابن سعد عباده و تعداد زيادي ديگر از صحابه بودند.

وي در ادامه به نقل از ابوحاتم رازي چنين مي نويسد:

ذكر أبو حاتم الرازي في كتاب الزينة في الألفاظ المتداولة بين أرباب العلوم على ما نقل في كتاب الروضات : أنّ أول اسم ظهر في الإسلام على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله الشيعة وكان لقب أربعة من الصحابة وهم : أبو ذر وسلمان وعمار والمقداد إلى أن أن أوان صفين فاشتهر بين موالي علي عليه السلام .

محمد بن عبد الرزاق بن محمد ، كُرْد عَلِي (المتوفى : ١٣٧٢هـ)، خطط الشام ج ٦ ، ص ٢٤٥ ، ناشر

مكتبة النوري، دمشق.

بنابر نقل كتاب «الروضات»، ابو حاتم رازي در كتاب «الزينة في الألفاظ المتداولة بين أرباب العلوم» گفته است اولين اسمي كه در اسلام در زمان رسول خدا صلي الله عليه وآله ايجاد شد، واژه شيعه بود، اين كلمه لقب چهار تن از اصحاب امير مؤمنان

صلوات الله و سلامه عليه بود که عبارت بودند از: ابوذر، سلمان، عمار و مقداد؛ این لقب در اوایل شروع جنگ صفین برای همه پیروان آن حضرت مشهور شد.

ابن ابی حاتم در کتاب الزینة چنین می نویسد:

فتبین أن الشيعة لقب لقوم كانوا قد الفوا امير المؤمنين عليا صلوات الله عليه في حياة رسول الله صلى الله عليه وآله و عرفوا به مثل سلمان الفارسي و ابی ذر الغفاري و المقداد بن الاسود و عمار بن ياسر و غيرهم كان يقال لهم شيعة علي عليه السلام و اصحاب علي عليه السلام.

ابن ابی حاتم، کتاب الزینة، صص ۸۳-۸۴، نسخه خطی.

آشکار شد که واژه «شیعه» لقب گروهی بود که در زمان زندگی رسول خدا صلی الله علیه وآله، محبت و الفت امیر مؤمنان علیه السلام را داشتند و به همین امر شناخته می شدند. افرادی همچون سلمان فارسی و ابوذر غفاری و مقداد بن اسود و عمار بن یاسر و غیر آنها، را شیعیان علی و اصحاب علی [علیه السلام] می نامیدند.

در این نقل شیعه را به عنوان لقب پیروان و دوستداران امیر مؤمنان علیه السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می کند که در این راه بزرگان صحابه مانند سلمان و اباذر و مقداد و عمار موفق به دریافت مدال افتخار پیروی از آن حضرت گردیده اند.

بزرگان صحابه شیعه و تربیت یافته پیامبر صلی الله علیه و آله

صبحی صالح، لغت شناس و اندیشمند و مولف بزرگ جهان عرب به نام بزرگان صحابه که شیعه و تربیت یافته رسول خدا بودند، تصریح می کند.

كان بين الصحابة حتى في عهد النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) لربيه علي ، منهم : أبو ذر الغفاري ، والمقداد بن الأسود ، وجابر بن عبد الله ، وأبي بن كعب ، وأبو الطفيل عمر بن وائلة ، والعباس بن عبد المطلب وجميع بنيه ، وعمار بن ياسر ، وأبو أيوب الأنصاري.

النظم الإسلامية نشأتها و تطورها، صبحی صالح: ص ۹۶.

در میان صحابه حتی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عده ای تربیت شده ی توسط [حضرت] علی [علیه السلام] بودند که تعدادی از آنها عبارتند از : ابوذر غفاری ، مقداد بن اسود ، جابر بن عبد الله ، ابی بن کعب ، ابوالطفیل عامر بن وائله ، عباس بن عبد المطلب و تمامی فرزندانش ، عمار بن یاسر ، و ابو ایوب الانصاری.

احمد امین مصری در این باره می گوید:

وقد بدأ التشيع من فرقه من الصحابه كانوا مخلصين في حبهم لعلی يرونه أحق بالخلافه لصفات رأوها فيه. ومن اشهرهم سلمان وابوذر والمقداد.

احمد امین، ضحی الإسلام ج ۳، ص ۲۰۹، چاپ هفتم، ناشر: مكتبة نهضة المصرية، قاهرة.

پیدایش تشیع از گروهی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شروع شد که در محبت به حضرت علی بسیار مخلص بوده، و ایشان را به خاطر صفات و فضایی که در ایشان دیده بودند، آن حضرت را سزاوارترین فرد به امامت می دانستند. و مشهورترین آنان سلمان و ابوذر و مقداد بودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام محوریت شیعه

آنچه به عنوان مفهوم شیعه از عبارات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نقل های تاریخی و تعاریف لغوی مشخص می شود این است که شیعه کسانی بوده اند که در زمان زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حول محور رسول خدا صلی الله علیه و آله سیر نموده و تحت تربیت امر المؤمنین علیه السلام و گوش به فرمان آن حضرت بودند و بزرگانی مانند سلمان، ابذر، مقداد، عمار و حذیفه به عنوان افراد شاخص این جریان بودند که همواره عاشق و محب اهل بیت علیهم السلام و حق بوده اند و بعد از حیات نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیز به توصیه ایشان، از اهل بیت علیهم السلام پیروی کرده اند و به توصیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دامان اهل بیت علیهم السلام جدا نشده اند و آنان را به عنوان محور حرکت خود قرار داده اند و به واسطه این منش و روش، سعادت خود را تضمین کرده اند.

روایات این موضوع را به صورت مفصل در مقاله ی دیگر آورده ایم لطفاً به این آدرس

مراجعه کنید.

<http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=۵۰۵۸>

آغاز شهرت تشیع از زمان شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله

با نگاهی به تاریخ اسلام مشخص می شود شیعه به صورت رسمی بعد از شهادت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در صحنه ی سیاسی ظهور پیدا کرد و

این واژه برای کسانی که امیر مؤمنان علیه السلام را خلیفه بلا فصل آن حضرت می‌دانستند، به کار می‌رفت.

ابن خلدون تاریخ نگار متعصب سنی بیان می‌کند که مبدأ دولت شیعه از زمان وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.

مبدأ دولة الشيعة: **اعلم أنّ مبدء هذه الدولة، أنّ أهل البيت لما توفي رسول الله صلي**

الله عليه وسلّم كانوا يرون أنّهم أحق بالأمر وأنّ الخلافة لرجالهم دون سواهم من قريش

وفي قصّة الشوري **أنّ جماعة من الصحابة كانوا يتشيعون لعلي** ويرون استحقاقه علي غيره

ولمّا عدل به إلي سواه تأفّفوا منه وأسفوا له مثل الزبير ومعه عمار بن ياسر والمقداد بن الأسود وغيرهم.

. ابن خلدون الحضرمي، عبد الرحمن بن محمد (متوفای ۸۰۸ هـ)، مقدمة ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۱۵،

ناشر: دار الفلم - بيروت - ۱۹۸۴، الطبعة: الخامسة.

ابن خلدون درباره ی مبدأ ظهور شیعه می‌گوید: بدان مبدأ تشکیل شیعه این است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه (و آله) و سلم از دنیا رفتند، اهل بیت(علیه السلام) خلافت را حق مُسلّم خود می‌دانستند و معتقد بودند خلافت سزاوار مردان بنی هاشم است و دیگر مردان قریش حقی در خلافت ندارند، در قضیه شوری (منظور سقیفه است) نیز گروهی از صحابه، از شیعیان علی (علیه السلام) محسوب می‌شدند و معتقد بودند غیر از علی (علیه السلام)، هیچ کس استحقاق خلافت را ندارد و زمانی که خلافت را فردی غیر از علی(علیه السلام) به دست آورد، از این امر اظهار بیزار می‌نمودند

و تأسف خوردند که نمونه این افراد زبیر و عمار بن یاسر و مقداد بن اسود و افراد دیگر می باشند.

مطلب دوم: پیشینه لغت «شیعه» در زمان حیات

پیامبر

مطلب دیگری که در پاسخ این سؤال روشن می شود این است که شیعه به معنای خاصی که در بالا ذکر کردیم، در زمان حیات مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود داشته و طبق گزارش علمای اهل سنت از جمله سیوطی که از مفسران معروف آنها می باشد، رسول خدا صلی الله علیه و آله برای پیروان امیر مؤمنان لفظ «شیعه» را آورده اند و از آنها به عنوان بهترین افراد یاد فرموده است؛ در ادامه تعدادی از روایت ها که از لسان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است و جایگاه شیعیان را بیان می کند، خواهد آمد.

شیعیان مشمول رضایت و خشنودی الهی

ابن عدی از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا شیعیان مورد رضایت الهی می باشند.

وأخرج ابن عدی عن ابن عباس قال : لما نزلت (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك

هم خير البرية) قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لعلي : **هو أنت وشيعتك يوم القيامة**

راضين مرضيين.

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١هـ)، الدر المنثور، ج ٨ ، ص

٥٨٧، ناشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٣.

ابن عدي از ابن عباس نقل کرده است که می‌گوید: هنگامی که این آیه «همانا کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند، بهترین مخلوقات هستند» نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه وآله خطاب به امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: بهترین موجودات شما و شیعیان شما هستند که روز قیامت راضی و مورد رضایت خدا هستند.

شیعیان، پیشوای پرهیزگاران

حاکم نیشابوری نیز در روایتی مشابه، آورده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله، شیعیان را بهترین بندگان معرفی می‌فرماید.

حدثنا الحاكم أبو عبد الله الحافظ قراءة وإملاء أخبرنا أبو بكر بن أبي دارم الحافظ بالكوفة أخبرنا المنذر بن محمد بن المنذر ، قال : حدثني أبي ، قال : حدثني عمي الحسين بن سعيد ، عن أبيه ، عن إسماعيل بن زياد البزاز ، عن إبراهيم بن مهاجر مولى آل شخيرة قال : حدثني يزيد بن شراحيل الأنصاري كاتب علي ، قال : سمعت عليا يقول : حدثني رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا مسنده إلى صدري فقال : يا علي أما تسمع قول الله عز وجل : (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية) هم أنت وشيعتك ، وموعدي وموعدكم الحوض ، إذا اجتمعت الأمم للحساب تدعون غراء مجلین.

الحاكم الحسكاني، وفات : ق ٥، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، جلد ٢ ص ٤٥٩، تحقيق : الشيخ

محمد باقر المحمودي، چاپ : الأولى، سال چاپ : ١٤١١ - ١٩٩٠ م، ناشر : مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة

الثقافة والإرشاد الإسلامي - طهران / مجمع إحياء الثقافة الإسلامية - قم

ابراهيم بن مهاجر از يزيد بن شراحيل الانصاري، كاتب امير مؤمنان علي(عليه السلام) نقل مي كند كه مي گويد شنيدم علي(عليه السلام) فرمود: پیامبر صلي الله عليه وآله در حالیکه به من تکیه داده بودند، فرمودند: آیا این فرموده الهی را نشنیدی: (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية) (مقصود از آنها) تو و شیعیانت می باشند، وعده گاه من و شما حوض کوثر است، وقتی امت برای حسابرسی حاضر شدند، با عنوان پیشوای پرهیزگاران خوانده می شوید.

شیعیان راضی و دشمن امیرالمومنین سیه رو و خشمگین

حاکم حسکاني، در روایت مشابه با روایت قبل با مضمونی یکسان با طریق دیگر، گفتار رسول خدا صلي الله عليه و آله را بیان مي كند كه به علي عليه السلام و پیروان ایشان، لقب شیعه داده اند و آن ها را مورد رضایت خدا معرفی کرده اند.

خبرناه أبو بكر الحارثي أخبرنا أبو الشيخ الأصبهاني حدثنا إسحاق بن أحمد الفارسي حدثنا حفص بن عمر المهرقاني حدثنا حيوية - يعني إسحاق بن إسماعيل - عن عمر بن هارون ، عن عمرو ، عن جابر ، عن محمد بن علي وتميم بن حذلم : عن ابن عباس قال : لما نزلت هذه الآية : (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية) قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم لعلي : هو أنت وشيعتك ، تأتي أنت وشيعتك يوم القيامة راضين مرضيين ، !

ويأتي عدوك غضاباً مغمحين قال (علي) : يا رسول الله ومن عدوي ؟ قال : من تبرأ منك

ولعنك ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : من قال : رحم الله عليا يرحمه الله .

الحاكم الحسكاني، وفات : ق ٥، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، جلد ٢ ص ٤٥٩، تحقيق : الشيخ

محمد باقر المحمودي، چاپ : الأولى، سال چاپ : ١٤١١ - ١٩٩٠ م، ناشر : مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة

الثقافة والإرشاد الإسلامي - طهران / مجمع إحياء الثقافة الإسلامية - قم.

از ابن عباس روایت شده است که وقتی این آیه نازل شد (إن الذين آمنوا وعملوا

الصالحات أولئك هم خير البرية)، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی(علیه

السلام): مقصود از این آیه تو و شیعیان تو هستند، تو و شیعیانت روز قیامت راضی از

خداوند و خداوند از شما راضی می باشد و دشمن تو در حالیکه سیه رو و غضب ناک

است، وارد می شود، علی(علیه السلام) ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله) چه

کسانی دشمن من هستند؟ رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: کسانی که از تو

برائت بجوید و تو را لعن کند، سپس رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: هرکس

بگوید خدا علی(علیه السلام) را رحمت کند، خدا او را مورد رحمت و خیر خود قرار دهد.

طبرانی پیرامون جنگ جمل به نقل از عبد الله بن نجی چنین نقل می کند:

حدثنا علي بن سعيد الرازي قال نا محمد بن عبيد المحاربي قال نا عبد الكريم أبو

يعفور عن جابر عن أبي الطفيل عن عبد الله بن نجی أن علیا اتى يوم البصرة بذهب أو فضة

فنكته وقال ابيضي واصفري وغري غري اهل الشام غدا إذا ظهروا عليك فشق قوله ذلك

على الناس فذكر ذلك له فأذن في الناس فدخلوا عليه فقال ان خليلي ع قال يا علي انك

ستقدم على الله وشيعتك راضين مرضيين ويقدم عليه عدوك غضاب مقمحين ثم جمع علي يده إلى عنقه يريهم كيف الاقماح.

الطبراني، ابي القاسم سليمان بن احمد، المعجم الاوسط، ج ٤، ص ١٨٧، ح ٣٩٣٤، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد - عبدالمحسن بن ابراهيم الحسيني، ناشر: دار الحرمين، ١٤١٥ هـ.ق.

عبدالله بن نجعي مي گوید: روز جنگ جمل براي امير مؤمنان صلوات الله و سلامه عليه طلا و نقره آوردند، حضرت آنها را پراکنده ساخت و فرمود: بدرخشيد و غير مرا گول بزويد، اهل شام را گول بزويد زماني که فردا [کنايه از آینده] بر شما پيروز مي شوند [به شما دست مي يابند]. راوي مي گوید: اين کلام حضرت امير سلام الله عليه بر مردم گران آمد، برخي از اصحاب ايشان عرضه داشتند مطالبتي که فرموديد بر برخي گران آمده، حضرت مردم را صدا زدند که نزد ايشان بيابند، وقتي آمدند، ايشان فرمودند: دوست [صميمي و اختصاصي من]، پيامبر صلي الله عليه وآله فرمودند: اي علي در قيامت تو و شيعيانت [پيروانت] بر خداوند وارد مي شويد در حالي که از خدا راضي هستيد و خداوند نيز از شما رضایت دارد و دشمن تو بر خدا وارد مي شود در حالي که خشمگين است و دستانش به گردنش بسته شده است. سپس حضرت دستان خود را به سمت گردن خود جمع نمودند تا چگونگي «اقماح» را به آنها نشان دهند.

علي و شيعته هم الفائزون در منبع عامه:

ابن عساکر در روايتي ديگر به نقل از جابر بن عبدالله انصاري آورده است، اميرالمومنين و شيعيان ايشان را بهترين بندگان معرفي مي کند.

وأخرج ابن عساکر **عن جابر بن عبد الله** قال كنا عند النبي صلى الله عليه وسلم فأقبل علي فقال النبي صلى الله عليه وسلم : **والذي نفسي بيده إن هذا وشيعته لهم الفائزون يوم القيامة** ونزلت «إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية» فكان أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم إذا أقبل علي قالوا : جاء خير البرية

عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: ٩١١ ، الدر المنثور ج ٨ ص ٥٨٩ دار النشر : دار

الفكر - بيروت - ١٩٩٣

جابر بن عبد الله مي گوید: نزد رسول خدا صلي الله عليه و (آله) بوديم، سپس امير المؤمنين علي(عليه السلام) آمد و پیامبر صلي الله عليه و (آله) فرمود: قسم به کسی جانم به دست اوست، او(اميرالمومنين عليه السلام) و پیروان او رستگاران هستند. بعد از نزول این آیه (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية)، هر وقت صحابه با ایشان روبرو مي شدند مي گفتند: بهترین بندگان آمد.

سيوطي در كتاب «الدرالمنثور» و علمای ديگر تعدادي ديگر از اسانيد اين روايت را

ذکر کرده اند.

طريق اول:

وأخرج ابن عدي وابن عساکر عن **أبي سعيد** مرفوعا : علي خير البرية

عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: ٩١١ ، الدر المنثور ج ٨ ص ٥٨٩ دار النشر : دار

الفكر - بيروت - ١٩٩٣

ابن عدي و ابن عساکر از ابي سعيد از رسول خدا صلي الله عليه و اله روايت

کرده اند که علي عليه السلام بهترین بندگان است.

أخبرناه أبو عمرو (محمد بن عبد الله) البسطامي أخبرنا أبو أحمد بن عدي الجرجاني حدثنا الحسن بن علي بن عبد الله الأهوازي حدثنا معمر بن سهل حدثنا أبو سمرة أحمد بن سالم بن خالد بن جابر بن سمرة ، حدثنا شريك ، عن الأعمش ، عن عطية : **عن أبي سعيد** ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : علي خير البرية .

الحاكم الحسكاني، وفات : ق ٥، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، جلد ٢ ص ٤٧١، تحقيق : الشيخ محمد باقر المحمودي، چاپ : الأولى، سال چاپ : ١٤١١ - ١٩٩٠ م، ناشر : مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي - طهران / مجمع إحياء الثقافة الإسلامية - قم

عطيه از ابي سعيد روايت کرده است كه او گفت : رسول خدا صلي الله عليه و آله فرمود كه علي بهترين اهل زمين است.

طريق دوم:

وأخرج ابن عدي عن **ابن عباس** قال : لما نزلت « إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية » قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لعلي : هو أنت وشيعتك يوم القيامة راضين مرضيين.

عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: ٩١١ ، الدر المنثور ج ٨ ص ٥٨٩ دار النشر : دار

الفكر - بيروت - ١٩٩٣

ابن عدي از ابن عباس روايت شده است كه وقتي اين آيه نازل شد (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية)، پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله و سلم به امير مؤمنان علي(عليه السلام) فرمود: تو و شيعيان تو روز قيامت راضي از خدا است و خدا نیز از آنها راضي است.

طريق سوم:

وأخرج ابن مردويه **عن علي** قال : قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم : ألم تسمع قول الله : « إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية » أنت وشيعتك وموعدي وموعدكم الحوض إذا جئت الأمم للحساب تدعون غرا محجلين.

عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: ٩١١ ، الدر المنثور ج ٨ ص ٥٨٩ دار النشر : دار

الفكر - بيروت - ١٩٩٣

ابن مردويه مي گوید كه (امام) علي(عليه السلام) فرمود كه پیامبر صلي الله عليه و (آله) و سلم فرمود: آیا گفتار خداوند (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية) را شنیده اي ؟ منظور تو و شیعیان تو هستند، موعد من و شما در قیامت حوض [كوثر] است، وقتي امت براي حساب مي آیند، شما پیشوای پرهیزگاران خوانده مي شوید.

طريق چهارم:

وقد حدثنا بن حميد قال ثنا عيسى بن فرقد عن أبي الجارود عن **محمد بن علي** أولئك هم خير البرية فقال النبي صلى الله عليه وسلم أنت يا علي وشيعتك

محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر الوفاة: ٣١٠ ، تفسير الطبري ج ٣٠، ص ٢٦٤ دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠٥

ابی جارود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که ایشان در مورد آیه (أولئك هم خير البرية) فرمود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقصود از این آیه، تو و شیعیان تو هستی.

روایت از امام باقر علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که این روایت به موجب روایت حدیثی، حدیث ابی تا رسول خدا، روایت متصل و صحیح می باشد.

تصحیح روایت «حدیث ابی» توسط مرحوم مجلسی رضوان الله علیه

مرحوم علامه محمد تقی مجلسی سند این روایت را صحیح می داند و می-

فرماید:

و في القوي كالصحيح، عن هشام بن سالم و حماد بن عثمان و غيره قالوا:

سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول: حدیثی حدیث ابی، و حدیث ابی حدیث جدی، و حدیث جدی حدیث الحسین، و حدیث الحسین حدیث الحسن، و حدیث الحسن حدیث أمير المؤمنين،

مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج ۱۲، ص ۱۷۵، تحقیق: نمقه وعلق علیه و أشرف علی طبعه « السيد حسين الموسوي الكرمانی والشيخ علي پناه الإشتهاردی » قم، ناشر: بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانیور، چاپ: محرم الحرام ۱۳۹۹

در روایتی قوی که مانند روایت صحیح است، هشام بن سالم و حماد بن عثمان و عده ای دیگر، گفته اند: از امام صادق علیه السلام شنیدیم که ایشان فرمودند حدیث من، حدیث پدرم است و... .

برای بررسی ارتباط شیعیان با اهل بیت علیهم السلام و یکسان بودن کلام اهل بیت با پیامبر به این آدرس مراجعه فرمایید.

<http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=question&id=1318>

نتیجه گیری از تعدد طرق این روایت:

از مجموع این روایت ها که توسط بزرگان صحابه مانند امیرالمومنین علیه السلام، ابن عباس و ابو سعید و ابو الطفیل و جابر بن عبد الله و... روایت شده است که به فرض مرسل بودن سند ادعایی، نقل این تعداد از صحابه، جایی برای این ایراد باقی نمیگذارد، اضافه بر اینکه روایت امام باقر علیه السلام از اجدادشان مرسل نیست و چنان چه از همه موارد گذشته هم صرف نظر شود، حداقل از این تعداد روایت، استفاضه به دست می آید و در دانش حدیث، روایت مستفیض زمانی که مخالفی نداشته باشد، احتیاجی به بررسی سندی ندارد.

حجیت روایت مستفیض در کلام بزرگان شیعه

با مراجعه به منابع متعدد در می یابیم که بزرگان شیعه همچون: مرحوم صاحب جواهر، مرحوم آقا ضیاء عراقی و... بر این عقیده هستند که روایت مستفیض زمانی که مخالفی نداشته باشد، نیازی به بررسی سندی ندارد و شاخصه های حجیت را دارا می باشد، در این مجال به عنوان نمونه به گفتار دو تن از فقیهان بزرگ شیعه می پردازیم.

محقق کرکی

مرحوم محقق کرکی پیرامون اعتبار روایت مستفیض چنین می فرماید:

إما مشهور : وهو ما زاد رواته على الثلاثة ، ويسمى المستفیض. وحكمه كالمتواتر في

وجوب العمل.

الکرکی، علي بن الحسين (وفات : ۹۴۰)، رسائل الکرکی، ج ۳ ص ۴۲، تحقیق : الشيخ محمد

الحسون، ناشر : مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ : اول، ۱۴۱۲هـ.ق.

روایت مشهور روایتی است که راویان آن بیش از سه نفر باشند و این روایت

مستفیض نیز نامیده می شود. در وجوب عمل به آن، حکمش همانند روایت متواتر

است. [قطعا به مضمون آن روایت عمل می کنیم].

صاحب جواهر

مرحوم شیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب فقهی جواهر، بعد از نقل روایتی

در یکی از موضوعات فقهی، می فرماید:

فلا ريب في استفاضتها بحيث تستغني عن ملاحظة السند كما هو واضح.

النجفی، الشيخ محمد حسن (متوفای ۱۲۶۶هـ-)، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ۱۰ ص

۲۸۶، تحقیق: الشيخ عباس القوجانی، ناشر: دار الكتب الإسلامية، طهران، الطبعة: الثالثة، ۱۳۶۷ش.

بدون شك، مستفیض بودن این روایت، انسان را از بررسی سند بی نیاز می کند

و این مطلب روشن است.

علی و شیعتہ ہم الفائزون در منبع شیعه:

در کتاب الامالی شیخ طوسی نیز روایتی مشابه از جابر بن عبد الله ذکر شده است، که رسول خدا صلی الله علیه و آله قسم یاد می کند که شیعیان رستگاران این امت و امیر مؤمنان علیه السلام برترین مسلمانان از نظر ایمان و... می باشند

أخبرنا أبو عمر، قال: أخبرنا أحمد، قال: حدثنا محمد بن أحمد بن الحسن القطواني، قال: حدثنا إبراهيم بن أنس الأنصاري، قال: حدثنا إبراهيم بن جعفر بن عبد الله بن محمد بن سلمة، عن أبي الزبير، عن جابر بن عبد الله، قال: كنا عند النبي (صلى الله عليه وآله) فأقبل علي بن أبي طالب (عليه السلام) فقال النبي (صلى الله عليه وآله):

قد أتاكم أخي، ثم التفت إلى الكعبة فضربها بيده، ثم قال: و الذي نفسي بيده، إن هذا

و شیعتہ لهم الفائزون يوم القيامة، ثم قال: إنه أولكم إيماناً معي، و أوفاكم بعهد الله، و أقومكم بأمر الله، و أعدلكم في الرعية، و أقسمكم بالسوية، و أعظمكم عند الله مزية،

طوسی، محمد بن الحسن، الامالی (للطوسی) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق. الامالی (للطوسی)؛ النص؛

ص ۲۵۱

ابی زبیر از جابر بن عبد الله روایت کرده است که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم، که امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد، (در این هنگام) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برادرم آمد، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله رو به کعبه فرمود و با دست به کعبه زد و فرمود قسم به کسی جانم در دست اوست که این شخص [امیر المؤمنین علیه السلام] و شیعیان او حقیقتاً رستگاران روز قیامت می باشند، سپس فرمود: او اولین ایمان آورنده با من می باشد، بیشترین پایبندی به میثاق الهی را دارد، استوارترین

در انجام دستورات الهی و عادل ترین افراد در میان مردم و عامل ترین مردم به مساوات و پر فضیلت ترین افراد نزد خدا می باشد.

بنابراین ذکر عبارت «شیعه» با این وضوح، در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، نشان دهنده ریشه دار بودن شیعه و اتصال بین این مکتب و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می باشد و همچنین ثابت می کند که تعالیم شیعه دقیقاً تعالیم رسول خدا صلی الله علیه و آله است و پیروان امیرالمومنین علیه السلام بهترین افراد و پیروان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده اند و اگر این اشخاص مورد تایید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبوده اند، معنایی نداشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را تحسین و تایید فرماید.

مطلب سوم: شروع امامت الهی از امیر مؤمنان و ختم آن به امام زمان (علیهم السلام) و ثابت بودن روش همه اهل بیت علیهم السلام

علاوه بر معنای اصطلاحی شیعه که به معنای پیروان امیرالمومنین و ۱۱ فرزند ایشان می باشد، اتفاق بین شیعیان می باشد که تعداد امامان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، ۱۲ نفر می باشد و طبق روایات متعددی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منابع شیعه و سنی نقل شده است، تمامی جانشینان و امامان و اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله، وحدت هدف و ماموریت دارند، اگرچه اقتضای زمان ممکن است در عهده بر میزان فعالیت و شکل آنها تاثیر گذار باشد.

اتفاق بر تعداد امامان بعد پیامبر صلی الله علیه و آله

مرحوم شیخ مفید در کتاب «اوائل المقالات» بیان می فرماید که شیعیان اجماع

بر ۱۲ نفر بودن ائمه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دارند

واتفقت الإمامية على أن الأئمة بعد الرسول (صلي الله عليه وآله) اثنا عشر إماما

مرحوم شیخ مفید بن محمد بن النعمان ابن المعلم

أبي عبد الله ، العكبري ، البغدادي (۳۳۶ - ۴۱۳ هـ) ، اوائل المقالات، ص ۴۱ محمد، دار المفید، طباعة -

نشر - توزیع بیروت . لبنان

امامیه در مورد اینکه امامان بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله، ۱۲ نفر می

باشند، اجماع و اتفاق نظر دارند.

بیان اسامی اهل بیت علیهم السلام و لزوم شناخت امام

مرحوم خزاز قمی (رضوان الله علیه) در کتاب شریف «کفایه الاثر» روایتی را با

سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، وجود مبارک امام صادق علیه

السلام در این روایت، اصول عقاید شیعه و از جمله امامت را به طور کامل بیان کرده اند

و در انتهای این روایت، نام امامان را تا امام مهدی علیه السلام بیان کرده اند.

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُوسَى قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ

الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ وَعَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ

أَعْيَنَ... ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَفْضَلَ الْقَرَائِصِ وَأَوْجَبَهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ وَالْإِفْرَارُ لَهُ

بِالْعُبُودِيَّةِ وَحَدُّ الْمَعْرِفَةِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا نَظِيرَ لَهُ وَأَنَّهُ يَعْرِفُ أَنَّهُ قَدِيمٌ مُثَبَّتٌ بِوُجُودٍ
 غَيْرِ فَقِيدٍ مَوْصُوفٌ مِنْ غَيْرِ شَبِيهٍ وَلَا مُبْطَلٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. وَبَعْدَهُ
 مَعْرِفَةُ الرَّسُولِ وَالشَّهَادَةُ لَهُ بِالثُّبُوتِ وَأَدْنَى مَعْرِفَةِ الرَّسُولِ الْإِقْرَارُ بِهِ بِنُبُوتِهِ وَأَنَّ مَا أَتَى بِهِ مِنْ
 كِتَابٍ أَوْ أَمْرٍ أَوْ نَهْيٍ فَذَلِكَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبَعْدَهُ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ الَّذِي بِهِ يَأْتُمُّ بِنَعْتِهِ وَصِفَتِهِ
 وَاسْمِهِ فِي حَالِ الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ وَأَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عِدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ الثُّبُوتِ وَوَارِثُهُ وَأَنَّ
 طَاعَتَهُ طَاعَةَ اللَّهِ وَطَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَالرَّدُّ إِلَيْهِ وَالْأَخْذُ بِقَوْلِهِ. وَ يَعْلَمُ أَنَّ
 الْإِمَامَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ
 بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ أَنَا ثُمَّ مِنْ بَعْدِي مُوسَى ابْنِي ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدُهُ عَلِيٌّ وَبَعْدَ
 عَلِيٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيٌّ ابْنُهُ وَبَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ **وَالْحُجَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ...**

الخزاز القمي الرازي، أبي القاسم علي بن محمد بن علي، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني

عشر، ص ٢٦٠ - ٢٦٤، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوني، ناشر: انتشارات، قم، ١٤٠هـ.

محمد بن ابی عمیر از هشام روایت می کند که نزد امام صادق علیه السلام
 بودیم، امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین فرائض و واجبترین آنها بر انسان،
 شناخت پروردگار و اقرار به بندگی اوست و کمترین معرفت این است که به یکتایی او
 اقرار کند و شبیه و شریکی برای او قائل نشود و بداند که او قدیم و ثابت و موجود است
 و به چیزی مفید نیست، او توصیف شده است، ولی نه در قالب مثال و مانند و بداند که
 او باطل نیست و مانندش چیزی نیست و او شنوا و بینا است و پس از او، شناخت پیامبر
 و گواهی به نبوت اوست و کمترین چیزی که در شناسایی او لازم است این است که
 اقرار به نبوت او کند و اینکه آنچه آورده از جمله کتاب یا امر و نهی، از طرف خدای تعالی

است و پس از او شناخت امامی است که وصف و نام او در حال سختی و خوشی پیروی می شود و کمترین چیزی که در شناخت امام لازم است، این است که او به جز در مقام نبوت، مشابه و همتا و وارث اوست و این که اطاعت او، اطاعت خداوند و رسول اوست و در هر امری تسلیم او باشد و به او مراجعه کند و بداند که پس از رسول خدا، علی بن ابی طالب علیه السلام امام است و پس از او حسن، سپس حسین، سپس علی بن الحسین و سپس محمد بن علی و پس از او من هستم و پس از من، موسی(علیه السلام) فرزندم و پس از او فرزندش علی و بعد از او محمد فرزندش، پس از ایشان نیز علی فرزندش سپس فرزندش حسن و حضرت حجت علیه السلام از فرزندان حسن است.

برای اطلاع کامل تر از سند این حدیث و احادیثی که با سند صحیح به امامت

اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده است به آدرس زیر مراجعه فرمائید:

http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=question&id=19455#_Toc338688117-

صدق عنوان تشیع در گروهی شناخت همه امامان و اطاعت از همه آنها (به صورت جمعی)

در روایتی معتبر که از امام صادق علیه السلام در کتاب شریف کافی بیان شده

است، تصریح می کند شناخت همه امامان لازمه صدق عنوان شیعه می باشد.

محمد بن یحیی ، عن أحمد بن محمد ، عن محمد بن إسماعیل ، عن منصور بن یونس

، عن محمد بن مسلم قال : قلت لأبي عبد الله عليه السلام : رجل قال لي : اعرف الآخر من

الأئمة ولا يضرك أن لا تعرف الأول ، قال : فقال : لعن الله هذا ، فاني أبغضه ولا أعرفه ، وهل عرف الآخر إلا بالأول .

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ٣٢٨ هـ)، الكافي ج ١ ص ٣٧٣ ، ، محقق غفاري على أكبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ : الخامسة سال چاپ : ١٣٤٣ ش محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخصی به من گفت : امام آخر را بشناس، نشناختن امام اول ضرري به تو نمي رساند، امام فرمود : خدا او را لعنت کند، من او را نمي شناسم و با او دشمن هستم، مگر امام آخر جز بوسيله امام اول شناخته شود؟

تصحیح روایت توسط مرحوم مجلسی

مرحوم مجلسي رضوان الله عليه بعد از نقل این روایت تصریح مي فرماید که این روایت مورد اطمینان مي باشد.

الحديث السابع : موثق

حديث هفتم مورد اطمینان است.

العلامة المجلسي، محمد باقر، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ج ٤، ص ١٩٥، (متوفى ١١١١ هـ)، ، ناشر: دار الكتب الإسلامية - تهران، الطبعة : الثانية، ١٤٠٤ هـ - ١٣٤٣ ش.

خروج از تشیع با عدم شناخت هرکدام از امامان

مرحوم مجلسي در توضیح روایت شریف کتاب کافی، مي فرماید نتیجه اینکه شخص ، شيعه يکي از ائمه نباشد ، خروج وي از تشيع به صورت مطلق است!

ولا أعرفه " أي بالتشيع أو مطلقا ، وهو كناية عن عدم التشيع ، لما سيأتي أنهم

عليهم السلام يعرفون شيعتهم

علامه مجلسي، محمد باقر، مرآة العقول في شرح اخبار ال الرسول، جلد ٤ ، ص ١٩٥

لا اعرفه يعني او را به تشيع نمي شناسم يا اصولا او را نمي شناسد، زيرا

خواهد آمد که امام امام معصوم شيعيان خود را مي شناسد.

وقتي تنها يکي از ائمه اثناعشر در مورد شخصي مي فرمود او شيعه من نيست

، يعني اصلا شيعه نيست!

بنابراين همان طور که از تعريف اصطلاحي «الشيعه» به دست آمد، شيعه به

معناي پيروان امير مومنان و اولاد ايشان عليهم السلام مي باشد، و اختصاص به پيروي

از اميرالمومنين عليه السلام به تنهائي ندارد، علاوه بر اينکه روايت نيز بيان مي کند که

صدق عنوان شيعه، وابسته به شناخت و اطاعت از همه امامان مي باشد و با شناخت

ناقص امامان، عنوان تشيع صدق نمي کند.

امامان شرکاء و همراهان يکديگر در امامت

شيخ صدوق (متوفاي ٣٨١هـ) با سند صحيح نقل کرده است که رسول خدا صلي

الله عليه و آله ائمه طاهرين عليهم السلام را شريك در امر امامت معرفي کرده اند:

حدثني أبي (رضي الله عنه)، قال: حدثنا سعد بن عبد الله، قال: حدثنا أحمد بن محمد

بن عيسي، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسي، عن إبراهيم بن عمر اليماني، عن

أبي الطفيل، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر (عليهما السلام)، عن آبائه (عليهم

السلام)، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع): اَكْتُبْ مَا أُمِّلِي عَلَيْكَ. قَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَتَخَافُ عَلَيَّ النَّسِيَانَ؟ فَقَالَ: لَسْتُ أَخَافُ عَلَيْكَ النَّسِيَانَ وَقَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ لَكَ أَنْ يَحْفَظَكَ وَلَا يَنْسِيَكَ وَلَكِنْ اكْتُبْ لِشُرَكَائِكَ. قَالَ: قُلْتُ: وَمَنْ شُرَكَائِي يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟ قَالَ: الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِكَ بِهِمْ تُسْقَى أُمَّتِي الْغَيْثَ وَبِهِمْ يَسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ وَبِهِمْ يَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ وَبِهِمْ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ مِنَ السَّمَاءِ وَهَذَا أَوْلُهُمْ. وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَيَّ الْحَسَنِ (ع) ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَيَّ الْحُسَيْنِ (ع) ثُمَّ قَالَ (ص): الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِهِ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ٣٨١هـ)، الأمالي، ص ٢٨٥ تحقيق و نشر: قسم

الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة - قم، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ٣٨١هـ)، كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص

٢٠٦-٢٠٧، تحقيق: علي اكبر الغفاري، ناشر: اسلامية - تهران، الطبعة الثانية، ١٣٩٥ هـ.

شيخ طوسي هم در «امالي» خود همين روايت را نقل کرده است

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الأمالي، ص ٢٤١

تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ.

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) به امير المؤمنين عليه السلام فرمود آنچه براي

مي گويم بنويس، عرض كرد يا رسول الله (صلي الله عليه وآله) مي ترسي فراموش

كنم؟ فرمود خوفي از فراموشي تو ندارم، چون از خدا خواستم كه به تو حافظه دهد و

فراموشي براي ايجاد نشود، ولي براي شريك هاي خود بنويس: اميرمؤمنان عليه

السلام گفت: عرض كردم شريك هاي (همراهان من) چه كساني هستند؟ فرمود:

امامان از فرزندان كه اتمم به بركت وجود آنان از باران بنوشند و دعايشان مستجاب

شود و به وسيله آن ها، خدا بلا را از اتمم دور كند و به وسيله آن ها رحمت از آسمان

نازل شود و این اولین آنها است؛ با دست خود به امام حسن(علیه السلام) اشاره کرد سپس به امام حسین علیه السلام اشاره کرد و فرمود امامان از فرزندان او می باشند.

بررسی سندی این روایت

برای بررسی این روایت به این آدرس مراجعه شود که مقاله ای مشتمل بر چهل حدیث پیرامون امامت اهل بیت علیه السلام می باشد که اولین از چهل حدیث به ذکر این روایت و ترجمه و سپس به بررسی سندی آن پرداخته است.

<http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=8201>

۱۲ نفر، مشترک در خلقت، وظیفه و نام

در کتاب «الغیبه» مرحوم نعمانی، با اشاره به وجود به ۱۲ امام، روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می کند که همه را از یک منشا و خلقت و از همان خلقت رسول خدا و همه مشترک در هدف و ادامه دهنده راه رسول خدا معرفی می کند.

أخبرنا علي بن الحسين قال حدثنا محمد بن يحيى العطار بقم قال حدثنا محمد بن حسان الرازي قال حدثنا محمد بن علي الكوفي قال حدثنا إبراهيم بن محمد بن يوسف قال حدثنا محمد بن عيسى عن عبد الرزاق عن زيد الشحام عن أبي عبد الله ع و قال محمد بن حسان الرازي و حدثنا به محمد بن علي الكوفي عن محمد بن سنان عن زيد الشحام قال: قلت لأبي عبد الله ع أيهما أفضل الحسن أو الحسين قال إن فضل أولنا يلحق فضل آخرنا و فضل آخرنا يلحق فضل أولنا فكل له فضل قال قلت له جعلت فداك وسع علي في الجواب فإني

و الله ما أسألك إلا مرتادا فقال نحن من شجرة برأنا الله من طينة واحدة فضلنا من الله و علمنا من عند الله و نحن أمناء الله على خلقه و الدعاة إلى دينه و الحجاب فيما بينه و بين خلقه أزيدك يا زيد قلت نعم فقال خلقنا واحد و علمنا واحد و فضلنا واحد و كلنا واحد عند الله عز و جل فقلت أخبرني بعدتكم فقال نحن اثنا عشر هكذا حول عرش ربنا جل و عز في مبتدأ خلقنا أولنا محمد و أوسطنا محمد و آخرنا محمد.

ابن أبي زینب، محمد بن ابراهیم، الغيبة، ص ۸۶ تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۷ ه.ق.

زید شحام از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که به ایشان عرض کردم امام حسین علیه السلام برتر است یا امام حسن علیه السلام؟ امام فرمودند که امام اول و آخر و امام آخر و اول در فضل و کمال با هم شریک و یکسان هستند، به امام علیه السلام گفتم فدای شما باشم، من قصد دارم که اطلاعات بیشتری داشته باشم و حقیقتا دنبال دانستن مطالب هستم، امام صادق علیه السلام فرمودند که خدا ما را از یک منشا و طینت خلق کرد و ما را برتری داد و به ما علم آموخت و ما افراد مورد اعتماد خداوند در بین مردم و دعوت کنندگان مردم به دین خدا قرار داد و به عنوان فاصله و حد وسط بین بندگان و خدا می باشیم؛ امام علیه السلام فرمودند: آیا مطالب بیشتری به تو بیاموزم؟ گفتم بله، امام علیه السلام فرمود: آفرینش ما یکی است، دانش ما یکی است، فضیلت ما یکی است و همگی ما در پیشگاه خداوند یکسان هستیم، سپس امام فرمود: آیا می خواهی تعداد آنها را برایت بیان کنم؟ گفتم بله، امام علیه السلام فرمود: تعداد ما ۱۲ می باشد و از ابتدای آفرینش ما گرداگرد عرش الهی به همین صورت

بوده ایم، اولین امام از ما محمد و امامان بعد از امامان اولین ما، محمد(امامان در بین) و آخرین ما محمد می باشد.

با استفاده از این روایت و روایات دیگر که مشابه مضمون این چند روایت را دارند، به خوبی و به سهولت معنا و مضمون «کلهم نور واحد» تجلی می یابد؛ زیرا که به روشنی بیان می کند که امامان، دارای خلقت و طینت مشابه با یکدیگر و همان طینت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد و دارای علم و جایگاه یکسان و همه دارای منصب یکسان در بین مردم می باشد و در رساندن و انعکاس نور الهی، مانند یکدیگر عمل می کنند.

ائمه وارثان رسول الله صلی الله علیه و آله

در روایت صحیح دیگر آمده است که امام هشتم علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت، وارث پیامبر صلی الله علیه و آله هستیم:

عَلَيَّ بَنُ إِبْرَاهِيمَ عَن أَبِيهِ عَن عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِي عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ أَمِينَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَمَّا قُبِضَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ **كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتَهُ فَتَحْنُ أُمَّتَهُ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ** عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلَايَا وَالْمَنَآيَا وَأَنْسَابُ الْعَرَبِ وَمَوْلِدُ الْإِسْلَامِ وَإِنَّا لَتَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَحَقِيقَةِ التَّفَاقُحِ وَإِنَّ شَيْعَتَنَا لَمَكْتُوبُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَعَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ بِرِدُونِ مَوْرَدِنَا وَيَدْخُلُونَ مَدْخَلَنَا لَيْسَ عَلَيَّ مِلَّةَ الْإِسْلَامِ غَيْرَتَا وَعَيْرُهُمْ نَحْنُ الشُّجَبَاءُ الشُّجَاهُ وَنَحْنُ أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ وَنَحْنُ أَبْنَاءُ الْأَوْصِيَاءِ وَنَحْنُ الْمَخْصُوصُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ

وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَنَحْنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا دِينَهُ فَقَالَ فِي كِتَابِهِ {شَرَعَ لَكُمْ} يَا
 آلَ مُحَمَّدٍ {مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا} قَدْ وَصَّانَا بِمَا وَصَّى بِهِ نُوحًا {وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ} يَا
 مُحَمَّدٌ- {وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى} فَقَدْ عَلَّمَنَا وَبَلَّغَنَا عِلْمَ مَا عَلَّمْنَا وَاسْتَوَدَعْنَا
 عِلْمَهُمْ نَحْنُ وَرَثَةُ أَوْلَى الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ {أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ} يَا آلَ مُحَمَّدٍ {وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ}
 وَكُونُوا عَلَيَّ جَمَاعَةً- {كَبَّرَ عَلَيَّ الْمُشْرِكِينَ} مَنْ أَشْرَكَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ {مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ} مِنْ
 وَلَايَةِ عَلِيٍّ إِنَّ اللَّهَ يَا مُحَمَّدُ {يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يَنْبُ} مَنْ يَحْبُبُكَ إِلَيَّ وَوَلَايَةِ عَلِيٍّ ع.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ٣٢٨ هـ)، الكافي، ج ١، ص ٢٢٣، محقق

: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ : الخامسة سال چاپ : ١٣٤٣ ش

عبد الله بن جندب گوید: امام رضا علیه السلام به او نوشت: اما بعد، حقیقتا
 محمد صلی الله علیه وآله امین خدا در میان خلقش بود و وقتی ازدنیا رفت، ما خانواده و
 وارثان ایشان بودیم و ما افراد مورد اعتماد خدا می باشیم، در زمین خدا، علم بلاها و
 مرگ و میرها و انساب عرب و علم پیدایش اسلام نزد ما است و به راستی ما هر
 شخصی را ببینیم، می شناسیم که از روی حقیقت مؤمن است یا منافق است،
 شیعیان ما به نام خودشان و پدرشان در دفتر ثبت هستند، خدا از ما و آنها تعهد گرفته،
 شیعیان ما از سفره ما سیراب می شوند و در مسیر ما حرکت می کنند، جز ما و آنها
 کسی در آیین اسلام نیست، ما نجیب و ناجی هستیم و ما بازماندگان پیغمبران
 هستیم و ما اولاد اوصیائیم و ما صاحبان امتیاز در کتاب خدای عز و جل هستیم، ما از
 همه مردم به کتاب خدا شایسته تریم و ما از همه مردم به رسول خدا (صلی الله علیه و
 آله) نزدیک تریم، ما هستیم که خدا دین خود را به حساب ما تشریح کرده و در قرآن

فرموده: «اي آل محمد براي شما از دين، مقرر کرد همان اموري که به نوح وصیت کرد (به ما سفارش داده همان را که به نوح (عليه السلام) سفارش داده) و آنچه را به تو وحی کردیم (اي محمد) و آنچه را به ابراهيم و موسی و عیسی سفارش دادیم (خدا به ما آموخته و رسانیده آنچه را باید بدانیم و به ما علم آنان را سپرده است، ما وارثان پیامبران اولو العزم هستیم) برای آنکه دين را برپا دارید (اي آل محمد) و در آن دچار تفرقه نشوید (و متحد باشید)، بر مشرکان(هر که در ولایت علي عليه السلام مشرک است)، بسیار سخت است آنچه را به آن دعوتشان کنید (از ولایت بلا فصل امیر مؤمنان (عليه السلام))، (اي محمد) خدا هدایت کند هر که به سمت او متمایل شود» (يعني ولایت امیر المؤمنین (عليه السلام) را از تو قبول کند).

در سایت ولیعصر مقاله اي با عنوان چهل حدیث صحیح پیرامون امامت اهل بیت عليهم السلام تدوین شده است که مي توانید به این آدرس مراجعه فرمایید که بیست و هفتمین روایت در این مقاله، اختصاص به همین روایت دارد که بعد از ذکر این روایت و ترجمه آن به تصحیح این روایت نیز پرداخته شده است:

http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=question&id=19455#_Toc338688116

حجت بودن و همگام بودن همه ائمه با قرآن

روایت اول : ائمه شاهد بر خلق و حجت خدا در زمین و همراه قرآن هستند و قرآن نیز با آنها است .

شیخ صدوق رضوان الله علیه در کتاب معتبر و شریف «کمال الدین» که به دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را نوشته است، روایتی را نقل می کند که طبق آن، امیرمؤمنان علیه السلام و بقیه ائمه علیهم السلام، همه حجت های خداوند و همراه و همگام با قرآن هستند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَحَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَيَّ خَلْقِهِ وَحُجَجًا فِي أَرْضِهِ وَحَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نُفَارِقُهُ وَلَا يَقَارِقُنَا.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفاي ۳۸۱هـ)، كمال الدين و تمام النعمة، ص ۲۴۰،

تحقيق: علي اكبر الغفاري، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي (التابعة) لجماعة المدرسين - قم، ۱۴۰۵هـ

سليم بن قيس هلالی از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: به درستی که خدای تبارک و تعالی ما را پاکیزه و معصوم گردانید و ما را گواه بر خلق خود و حجت در زمین قرار داد، ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داد، نه ما از قرآن جدا شویم و نه او از ما جدا می شود.

روایت دوم: حدیث ثقلین

از دیگر ادله‌ی که جایگاه اهل بیت علیهم السلام را به خوبی بیان می‌کند، حدیث ثقلین است؛ طبق این روایت، اهل بیت علیهم السلام همراه با قرآن هستند؛ یعنی آنها عقیده و بینش خود را از قرآن می‌گیرند و بعد آن در میان مردم تبلیغ می‌کنند؛ بنابراین میان عقیده و فقه علوی با عقیده و فقه جعفری تفاوتی نیست، زیرا اصولاً ویژگی منحصر به فرد خاندان رسالت این است که خود سرانه عمل نمی‌کنند و برنامه تبلیغ و تعلیم خود را از قرآن می‌گیرند و همه آنها در این خصلت، مشترک هستند.

متن روایت با سند صحیح به این شرح است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَيَعْقُوبَ بْنَ يَزِيدَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرَّبُودَ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْغِفَارِيِّ قَالَ: لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ حِجَّةِ الْوَدَاعِ وَتَحَنُّنٍ مَعَهُ ...

ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ أَلَا وَإِنِّي فَرَطُكُمْ وَأَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضِ حَوْضِي عَدَاً وَهُوَ حَوْضٌ عَرَضُهُ مَا بَيْنَ بُصْرَى وَصَنْعَاءَ فِيهِ أَفْدَاحٌ مِنْ فِضَّةٍ عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ أَلَا وَإِنِّي سَائِلُكُمْ عَدَاً مَا دَا صَنَعْتُمْ فِيمَا أَشْهَدْتُ اللَّهَ بِهِ عَلَيْكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا إِذَا وَرَدْتُمْ عَلَيَّ حَوْضِي وَمَا دَا صَنَعْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ خَلْفَتُمُونِي فِيهِمَا حِينَ تَلْقَوْنِي.

قَالُوا: وَمَا هَذَانِ الثَّقَلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: **أَمَّا الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ اللَّهِ** عَزَّ وَجَلَّ سَبَبٌ

مَمْدُودٌ مِنَ اللَّهِ وَمِئِي فِي أَيْدِيكُمْ طَرَفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَالطَّرْفُ الْأَخْرُ بِأَيْدِيكُمْ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَمَا

بَقِيَ إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ **وَأَمَّا الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ فَهُوَ حَلِيفَةُ الْقُرْآنِ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَعِثْرَتُهُ**

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

قَالَ مَعْرُوفُ بْنُ خَرَّبُودَ: فَعَرَضْتُ هَذَا الْكَلَامَ عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: صَدَقَ أَبُو

الطُّفَيْلِ رَحِمَهُ اللَّهُ هَذَا الْكَلَامُ وَجَدْنَاهُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَرَفْنَاهُ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ٣٨١هـ)، الخصال، ص ٦٦، تحقيق، تصحيح

وتعليق: علي أكبر الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ

١٤٠٣ - ١٣٦٢

فرمود: آگاه باشید که هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست و او

این شخص است، سپس دست علی (امیر المومنین علیه السلام) را گرفت و آن را با

دست خود بالا برد تا اینکه زیر بغل هر دو آشکار شد؛ سپس فرمود: خدایا دوست بدار

هر کس را که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس را که او را دشمن بدارد و یاری

کن به هر کس که او را یاری کند و خوار کن هر کس را که او را خوار سازد؛ آگاه باشید

که من پیشتاز شما (در مرگ) هستم و شما در حوض (کوثر) بر من وارد خواهید شد،

حوض من، فردا وسعتی مانند وسعت میان بصره و صنعا خواهد داشت، در آن پیاله

هایی از نقره به تعداد ستارگان آسمان است، آگاه باشید، فردا که وارد حوض من شدید،

از شما میپرسم در باره آنچه از شما گواهی گرفتم چه رفتاری کردید و بعد از من با « دو

چیز گرانبها» چه کردید؟ وقتی با من ملاقات نمودید، به من نظر بدهید که چگونه پس از من با آنها رفتار کردید؟

گفتند: یا رسول الله (صلي الله عليه و آله) این دو چیز گرانبها چیست؟ فرمود: چیز گرانبهاي بزرگتر، کتاب خداوند است که واسطه اي است امتداد یافته از خدا و من در دستان شما، که يك طرف آن در دست خدا و طرف دیگرش در دست شماست، دانش گذشته و آینده تا روز قیامت در آن است، و اما چیز گرانبهاي کوچک که ملازم قرآن است، آن علي بن ابی طالب (علیه السلام) و عترت او هستند و این دو امانت از هم جدا نشوند تا وقتی که در حوض (کوثر) بر من وارد شوند.

معروف بن خزبوذ می گوید: این سخن را بر امام باقر (ع) عرضه کردم، فرمود: أبو الطفیل راست گفته، خدا رحمتش کند و ما آن را در کتاب علي (ع) چنین یافتیم و شناختیم.

سند این روایت صحیح می باشد که دو لینک برای مراجعه قرار داده شده است که مورد اول بررسی سندی این روایت را انجام داده است و در آدرس دوم می توانید با تفصیل بیشتر، به ۵ روایت که در منابع شیعه پیرامون این حدیث آمده است مراجعه کنید که در آن، صحت و تواتر این حدیث در منابع شیعه به طور کامل بررسی شده است:

<http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=۵۰۴۳1>:

<http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=6331>

از مفاد حدیث ثقلین نکات متعددی به دست می آید که اجمالاً می توان بیان کرد که جایگاه اهل بیت و جدا نشدن آنها از قرآن و حجیت سیره و گفتار و تقریر آنها از جمله آن می باشد و در قسمت سوال دوم با تفصیل بیشتری به آن پرداخته خواهد شد.

یکسان بودن کلام هر کدام از اهل بیت با یکدیگر و با روایت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

در روایتی که از امام صادق علیه السلام در کتاب شریف کافی بیان شده است، تصریح شده است که کلام امام صادق علیه السلام همان کلام امام باقر علیه السلام و همان کلام ائمه قبلی تا رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد

عَلِي بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ وَ غَيْرِهِ قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ حَدِيثُ أَبِي وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الكافي، ج ۱، ص ۵۳، محقق غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ: الخامسة سال چاپ: ۱۳۶۳ ش.

حماد بن عثمان و عده ای دیگر از امام صادق علیه السلام روایت میکنند که امام صادق علیه السلام فرمود: روایتی که من نقل می کنم، روایت پدرم است و روایت پدرم، روایت جد من است و روایت جد من، روایت امام حسین علیه السلام است و روایت امام حسین علیه السلام، روایت امام حسن علیه السلام است و روایت امام حسن، روایت

امام علي عليه السلام است، روايت اميرالمومنين، روايت رسول اكرم صلي الله عليه و آله مي باشد و روايت رسول خدا صلي الله عليه و آله، فرموده خداوند متعال است.

تصحيح روايت توسط مرحوم مجلسي رضوان الله عليه

مرحوم علامه محمد تقی مجلسي سند اين روايت را صحيح مي داند و مي-

فرمايد:

و في القوي كالتصحيح، عن هشام بن سالم و حماد بن عثمان و غيره قالوا:

سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول: حديثي حديث أبي، و حديث أبي حديث جدي، و حديث جدي حديث الحسين، و حديث الحسين حديث الحسن، و حديث الحسن حديث أمير المؤمنين،

مجلسي، محمدتقی بن مقصودعلی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج ۱۲؛ ص ۱۷۵، تحقيق: نمقه وعلق عليه وأشرف على طبعه « السيد حسين الموسوي الكرمانى والشيخ علي پناه الإشتهاردى » قم، ناشر: بنياد فرهنگ اسلامي حاج محمد حسين كوشانيور، چاپ: محرم الحرام ۱۳۹۹

در روايتي قوي كه مانند روايت صحيح است، هشام بن سالم و حماد بن عثمان

و عده اي ديگر، گفته اند: از امام صادق عليه السلام شنيديم كه ايشان فرمودند حديث

من، حديث پدرم است و...

نتیجه گیری این بخش :

تبعیت از تمام ائمه علیهم السلام لازم است و ائمه علیهم السلام ، همگی از جهت راهنمایی دینی مثل یکدیگر هستند ، و عدم تبعیت از یکی از آنها ، خروج از تشیع ، و تبعیت کامل از یکی از آنها به معنی تبعیت از تمام آنها است!

مطلب چهارم: نقش تاریخ و زمان در شهرت عنوان

(جعفری)

با مراجعه به تاریخ و شرایطی که در زمان امام صادق علیه السلام حکم فرما بوده است، مشخص می شود که عواملی در عهد امام صادق علیه السلام وجود داشته است که در زمان امامان دیگر وجود نداشته است و سبب شده است میزان فعالیت های امام صادق علیه السلام به گونه وسیع تری رقم بخورد که این موارد نقش به سزایی در شهرت شیعه با عنوان «جعفری» داشتند که به مواردی از آنها اشاره می شود.

کاهش محیط اختناق در زمان امام صادق علیه السلام

عواملی مانند تعداد جنگ ها در زمان امیر مؤمنان و امام حسن علیهما السلام و میزان خفقان در عهد امام حسین و امام سجاد علیه السلام کمتر به ائمه اجازه فعالیت و تربیت شاگرد و انتقال معارف ولایی را داد؛ در زمان امام باقر علیه السلام تزلزل سیاسی عاملی برای کاهش اختناق بر شیعیان و اهل بیت علیهم السلام بود، در زمان

امام صادق علیه السلام با هرج و مرج ایجاد شده به واسطه درگیری بین پادشاهان اموی و عباسی و روی کار آمدن ۵ حاکم در زمان کوتاه و ظهور عباسیان با شعار «الرضا من آل محمد»، این آشفتگی شکل وسیع تری به خود گرفت و سبب شد ابتکار عمل بیشتری در اختیار امام صادق علیه السلام قرار گیرد و با توجه به زمان طولانی تری که ایشان برای امامت جامعه در اختیار داشتند و نوع اوضاع و شرایط خاص فرهنگی در آن عصر، بیشترین روایات به مسلمانان و تشنگان معرفت و وحی منتقل شود که این شرایط و این نوع فعالیت در زمان امامان دیگر وجود نداشت؛ برای اطلاع بیشتر از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن زمان و عوامل موجود که سبب شد امام صادق علیه السلام در آن عهد ابتکار بیشتری در اختیار داشته باشند، به منابعی چون کتاب سیره پیشوایان استاد پیشوایی و مقالات دیگر مراجعه فرمایید:

مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۳۴۹-۳۵۴، ناشر موسسه امام صادق علیه السلام، سال نشر:

۸۱ ه.ش.

ظهور مکاتب انحرافی و مقابله امام صادق علیه السلام با آنان

از عوامل دیگری که می توان به عنوان وجه تفاوت دوران امامت امام صادق علیه السلام با امامان قبلی اشاره کرد که خود نقش مهمی در شهرت شیعه با عنوان جعفری داشت، وضعیت حساس فکری و علمی و اعتقادی جامعه و ظهور مکاتب انحرافی و تهدید جدی اعتقادی جامعه بود، از جمله این موارد می توان به ظهور و گسترش فعالیت جریانهای زندیق و ملحد مانند جریانهای ابوشاکر دیسانی و ابن ابی

العوجاء و مناظرات امام صادق عليه السلام و شاگردان ایشان با این دسته ملحد و گسترش جریانهای درون دینی نظیر معتزله و اشاعره و پاسخ به آنها و مناظرات با آنها و بیان مطلب حق و راه صواب، اشاره نمود که بیان قواعدی نظیر قاعده «لا جبر ولا تفویض بل امر بین الامرین» و همچنین مبارزه با افکار غالیان و مناظره با آنان و توصیه های لازم به شاگردان برای عدم تاثیر پذیری از این جریانات، از این قبیل است، این وضعیت سبب شد که جبهه و دسته ای تحت عنوان «جعفری» که منتسب به امام صادق عليه السلام بودند در برابر دسته ملحدین و منحرفین، شهرت زیادی پیدا کنند و این عنوان (جعفری) ظهور بسیار گسترده و بارزی در میان مسلمین پیدا کند و به عنوان نماینده تفکر شیعه و مکتب اهل بیت در جامعه، به گسترده ترین صورت نمود پیدا کند.

فعالیت امام صادق عليه السلام در دو محور عمده در آن زمان پیگیری شد که یکی معرفی منحرفین و عوامل ضلالت به جامعه و معرفی افکار پلید آنان بود و دیگری تربیت شاگردان بارز و کار آزموده و متخصص در علوم مختلف بود که بتوانند به مقابله با جریان ضلالت بپردازند که به صورت مختصر به آنها اشاره می شود.

معرفی منحرفین و افکار آنها به مسلمانان

امام همواره جامعه را از خطرات جریان های التقاطی برحذر می داشتند که به عنوان نمونه مفضل در مورد غلو کنندگان چنین روایت می کند:

حَمْدَوَيْهِ وَ إِبْرَاهِيمُ، قَالَا حَدَّثَنَا الْعُبَيْدِيُّ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ مَزِيدٍ، قَالَ:،
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ ذَكَرَ أَصْحَابَ أَبِي الْخَطَّابِ وَ الْغَلَاةَ، فَقَالَ لِي: يَا مُفَضَّلُ لَا تُقَاعِدُوهُمْ وَ لَا
تُؤَاكِلُوهُمْ وَ لَا تُشَارِبُوهُمْ وَ لَا تُصَافِحُوهُمْ وَ لَا تُوَارِثُوهُمْ .

الطوسي، الشيخ الطائفة أبي جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (متوفاي ٤٦٠هـ)، اختيار
معرفة الرجال المعروف برجال الكشي، ج ٢، ص ٥٨٦، تصحيح وتعليق: المعلم الثالث ميرداماد الاستربادي،
تحقيق: السيد مهدي الرجائي، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم، تاريخ الطبع: ١٤٠٤ هـ

مفضل مي گوید: امام صادق عليه السلام نام ابن خطاب و تعدادي از غلاه را ذكر
کردند و به من فرمودند: اي مفضل با آنها نشست و برخواست نکن و با آنها چیزی نخور و
به آنها دست نده و با آنها داد و ستد علمي نداشته باش)

تربیت شاگردان بارز و کارآزموده توسط امام صادق علیه السلام

با توجه به گسترش فرقه ها و افکار انحرافي و شیوع افکار آنها در زمان امام
صادق علیه السلام، ایشان با برگزاری کرسی تدریس بزرگ برای شاگردان و تربیت
شاگردان زبده مانند هشام بن حکم و مومن الطاق و ابان تغلب، مکتب عظیم
وقدرتمندي را در برابر این مکاتب پایه ریزی کردند و شاگردان و دوستداران و تابعین ایشان
به جعفري معروف شدند، زیرا جبهه امام جعفر صادق علیه السلام در برابر بقیه مکاتب
تلقي مي شد و مردم هم به این نام آنها را مي شناختند و خود این شاگردان نقش به
سزایی در شهرت عنوان «جعفري» داشتند؛ پیرامون صف بندي بين شیعیان و مکاتب

انحرافی و نقش شاگردان امام صادق علیه السلام در این رویارویی و نتایج این مساله، می‌توانید به این نشانی مراجعه فرمایید:

مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۳۷۰-۳۵۵، ناشر موسسه امام صادق علیه السلام، سال نشر:

۸۱

نتیجه

شیعه در لغت به معنای یار، هوادار و تابع می‌باشد و در اصطلاح به معنای پیروان امامت و خلافت امیرالمومنین علیه السلام و فرزندان آنها می‌باشد؛ در این میان منابع روایی نیز به وضوح بازگو می‌کند که ائمه به منزله نور واحد می‌باشند و در راه رساندن تعالیم الهی، وظیفه واحدی را دنبال می‌کنند؛ در این میان به علت شرائط خاصی که در زمان امام صادق علیه السلام حکفرما بوده است تعالیم بیشتری به جهان اسلام انتقال یافته است و به تبع شیعه با عنوان جعفری شهرت بیشتری یافته است ولی همان طور که به آن پرداخته شد، این به معنای تفاوت راه و هدف و دو نوع تشیع نمی‌باشد و همه امامان واجب‌الاطاعت می‌باشند و یک مسیر را دنبال می‌کنند.

سؤال دوم :

سؤال دومی که در ابتدا مطرح شده این بود که «کارکردهای امروز تحت نام تشیع هیچ ربطی به اهل بیت ندارد و اهل بیت آینه منهج بوده اند و به طور خلاصه، مطالبی ما از اهل بیت بیان می‌کنیم، هیچ ارتباطی با اهل بیت ندارد».

پاسخ اجمالي:

امامان معصوم عليهم السلام يعني همان حجت هاي الهي بر مردم، به برکت ارتباط با منبع فيض الهي سفره بزرگي براي بهره مندي همه مسلمين، اعم از شيعه و سني گسترده اند و رسول خدا صلي الله عليه وآله در رواياتي همچون ثقلين، بهره مندي از اين خوان با برکت را بر همگان واجب گردانیده است و تنها راه سعادت را در پيروي از قرآن و اهل بيت عليهم السلام منحصر نموده است؛ در اين ميان، تنها شيعه از اين نعمت و فرصت ويژه، بهره برده است و در هر سه حوزه عقائد، اخلاق و احكام، برنامه و راه سعادت را از اهل بيت دريافت کرده است، گفتار بزرگان عامه، شاهد بر استفاده و انتساب شيعه به اهل بيت عليهم السلام مي باشد.

پاسخ تفصيلي:

حديث ثقلين:

مسلمانان براي ترسيم راه سعادت، نياز به منبعي مطمئن و کامل هستند تا به برکت بهره مندي از آن، عاقبت و آينده روشني را براي خود، چه در دنيا و چه در آخرت رقم بزنند؛ قرآن و روايات به روشني بيان مي کند که اهل بيت پيامبر صلي الله عليه و آله در کنار قرآن عهده دار اين مسئوليت مي باشند و به خوبي اين دغدغه و اين هدف عالي بشر که همان تامين سعادت مي باشد را محقق خواهند کرد، از مواردی که به وضوح به ارتباط بين دو منبع الهي (قرآن و اهل بيت عليهم السلام) مي پردازد و کارکرد اين دو عامل را به خوبي بيان مي کند، حديث ثقلين مي باشد.

در بخش قبلی این نوشتار، حدیث ثقلین از برخی منابع معتبر شیعه بیان شد و به طور اجمال پیام حدیث ثقلین بیان شد در این قسمت به این حدیث، با توجه به منابع اهل سنت می پردازیم و آثار و پیام های آن به تفصیل، بیان می شود.

حدیث ثقلین در منابع عامه با سند صحیح

ابن کثیر دمشقی از شاگردان ابن تیمیه، حدیث ثقلین را از زبان رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیان کرده است و تمسک به قرآن و اهل بیت را، راه دوری از گمراهی ذکر کرده است.

وقد ثبت في الصحيح أنّ رسول الله (ص) قال في خطبته بغدير خم «إني تارك فيكم

الثقلين كتاب الله وعترتي وإتّهما لم يفترقا حتى يردا علي الحوض.

ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم ج ۷، ص ۲۰۱، محقق: سامی بن محمد السلامة، ناشر: دار

الطیبة للنشر و التوزیع.

در روایت صحیح آمده است که رسول خدا در خطبه غدیر خم فرمود: من در بین شما دو چیز گرانبها می گذارم: کتاب خدا و اهل بیت من؛ این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

تصحیح روایت ثقلین توسط البانی

البانی از بزرگ ترین علمای رجالی وهابی این روایت را صحیح می داند

لكن الحديث صحيح، فإن له شاهدا من حديث زيد بن أرقم ... وإسناده صحيح، رجاله

رجال الصحيح

محمد ناصر الدين الباني، سلسلة الاحاديث الصحيحة، جلد ۴، ص ۲۶۰، الباب ۱۷۶۱.

این حدیث صحیح است و شاهد آن حدیث زید بن ارقم است... و سندهای آن روایت صحیح است و راویان آن، از راویان کتاب صحیح بخاری هستند

پیام ها و مدلول های حدیث ثقلین

این روایت، برنامه دوری از گمراهی و نیل به سعادت را در سایه پیروی از قرآن و اهل بیت علیهم السلام در کنار هم، بیان میکند و در ضمن مفاد خود، پیامها و نکات مهمی را که مورد نیاز هر انسانی برای سعادت و رستگاری است، ذکر می کند که به شرح زیر می باشد:

۱. قرآن کریم قانون مدون و قطعی اسلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مجریان این قانون هستند.

۲. قانون و مجری مکمل یکدیگر هستند و هرکدام بدون دیگری نمی تواند کاری از پیش ببرد.

۳. عدم گمراهی با تمسک به این دو چیز گرانبها، میسر است و تا قیامت مردم فقط با تمسک به آن دو، به سوی صراط مستقیم الهی هدایت شوند.

۴. اطاعت مطلق از هر دوی آنها، به يك اندازه واجب است، کسی نمی تواند ادعا کند که با اطاعت از قرآن، نیازی به اطاعت از «اهل بیت» نیست.

۵. این دو تا قیام قیامت از یکدیگر جدا نخواهند شد و با این جمله عصمت مطلق «اهل بیت» ثابت می شود؛ زیرا اگر اهل بیت معصوم نباشند و از آنهاي خطاي سر بزند،

در همان لحظه از قرآن فاصله گرفته‌اند و این بر خلاف سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

۶. تأکید بر عدم جدائی قرآن از اهل بیت تا ورود بر حوض کوثر، از يك طرف جاودانه بودن قرآن را تا قیام قیامت ثابت می‌کند و از طرف دیگر بر همگان گوشزد می‌کند که باید تا قیامت شخصی از اهل بیت در کنار قرآن باشد.

۷. همان‌طوری که قرآن کریم «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» بیان کننده هر چیزی است، «اهل بیت» نیز باید این گونه باشند؛ زیرا کسی که همیشه با قرآن است، از تمام حقایق قرآن نیز با خبر است؛ پس او نیز باید «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» باشد. بنابراین علم غیب اهل بیت نیز ثابت می‌شود.

۸. مراد از «اهل بیته»، نمی‌تواند همسران پیامبر باشند؛ زیرا در این روایت رسول خدا از جمله «وَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» استفاده کرده است. واضح است که زنان امهات المؤمنین همگی از دنیا رفته‌اند و کسی از آنان باقی نمانده است تا قرآن را تا قیامت همراهی نماید. از طرف دیگر عملکرد برخی از آنها با قرآن در تضاد بوده است؛ مثل جنگ جمل و کشته شدن بیش از بیست هزار نفر در این جنگ.

۹. مکتب تشیع با مد نظر قرار دادن حدیث ثقلین که مورد تأیید شیعه و سنی می‌باشد، به سراغ قرآن رفته و در کنار آن با بهره گرفتن از کلام گهربار امامان معصوم علیهم السلام (امیر مؤمنان تا امام زمان علیهم السلام) که بخش جدایی ناپذیر از قرآن به حساب می‌آیند، میراث فاخری را برای خود مهیا کرده است و با توجه به آن، برنامه کامل و مدونی در هر قسمت (اعتقادات، احکام، اخلاق) برای شیعیان و سایر حقیقت

جویان فراهم کرده است و به صورتی است که شیعیان و مسلمانان دیگر در هر کدام از این حوزه ها با بهره گیری از آن آثار موجود، به همان سعادت و نجات که آرزوی بشر است، دست یابند.

اهل بیت علیهم السلام غیر شیعیان نیز از علوم خود بی بهره نگذاشته اند چنانچه مراجعه به تاریخ از شاگردی علمای اهل تسنن در محضر اهل بیت علیهم السلام، حکایت می کند؛ این مساله به قدری مشهور است که حتی فردی همچون ابن تیمیه حرانی، علی رغم عنادی که با تشیع و فضائل اهل بیت علیهم السلام دارد، آن را ذکر کرده است. وی در این زمینه چنین می نویسد:

وإن قالوا بل كانوا يبينون ذلك لخواصهم دون هؤلاء الأئمة قيل أولا هذا كذب عليهم فإن جعفر بن محمد لم يجيء بعد مثله وقد أخذ العلم عنه هؤلاء الأئمة كما لك وابن عيينة وشعبة والثوري وابن جريح ويحيى بن سعيد وأمثالهم من العلماء المشاهير الأعيان

أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: ٧٢٨ ، منهاج السنة النبوية ج ٤ ص ١٢٦ دار

النشر : مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم

اگر عده ای گفتند که اهل بیت [علیهم السلام] علوم و اسرار خود را برای خواص بیان می کرده اند و برای امامان اهل سنت بیان نمی کردند، گفته می شود که این مطلب دروغ است زیرا علمای بزرگ اهل سنت مانند: مالک، ابن عیینة ، شعبه، ابن جریح، ثوری و یحیی بن سعید، و سایر علمای مشهور و بزرگ، از جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) که بعد از او، همانندش نیامده است، کسب علم نموده اند.

این گفتار ابن تیمیه بیان می کند که اهل بیت علیهم السلام علاوه بر اینکه نقش بیان معارف و بیان کننده راه صواب برای پیروان خود را انجام داده اند، برای پیروان سایر پیروان فرق اسلامی نیز همین نقش را ایفا کرده اند و بزرگان صحابه و تابعین و اتباع تابعین، شاگردی مکتب آنها را کرده اند.

اعتراف اهل سنت و وهابیت به بهره گیری شیعیان و

از مکتب اهل بیت علیهم السلام

نکته حائز اهمیت این است که در میان تمامی مذاهب اسلامی تنها شیعیان دوازده امامی به طور مطلق از اهل بیت علیهم السلام پیروی نموده اند اما با این وجود برخی شیعیان را به عدم پیروی از اهل بیت علیهم السلام متهم می کنند در حالی که شیعیان نه تنها در امور دینی از امامان دوازده گانه تبعیت می کنند بلکه آنان را امامان الهی و معصوم و واجب الطاعت می دانند چنانچه علاوه بر برخی علمای اهل سنت، حتی علمای بزرگ وهابی نیز به این مساله اعتراف کرده اند.

البانی وهابی

البانی یکی از بزرگترین عالمان وهابی، در کتاب «الفتاوی المهمه» به تبعیت شیعیان از قرآن و اهل بیت علیهم السلام تصریح می کند.

یکفې عندنا القرآن و السنه و یکفې عندهم القرآن و اهل بیت

ناصر الدین البانی، الفتاوی المهمه، ص ۱۵۴، تحقیق: صلاح الدین محمود، دار الغد الجدید.

[برای رسیدن به سعادت] نزد ما، قرآن و سنت کفایت می کند، اما [برای رسیدن به سعادت] نزد شیعیان، قرآن و اهل بیت کافی است.

صالح هران (از نویسندگان اهل سنت):

الشیخ امین ابن صالح هران، در خاتمه کتاب «فقه الال» که در آن میزان توجه شیعه و اهل تسنن را به فقه اهل بیت علیهم السلام بررسی می کند، تصریح می کند که فقه شیعه تماماً برگرفته از کلام اهل بیت علیهم السلام است و خلاف این نظریه، باطل است.

الخاتمه: من خلال العرض السابق للمسائل و الذي ما سيق الا الباحثين و المنصفين يجد المنصف و يلمس المجرد من الفريقين بطلان دعويين و سقوط تهمتين:

... انتحال الشيعه لفقه الال رضوان الله عليهم

هران حذاء، امین بن صالح، فقه الال رضی الله عنه بین دعوی الاهیة و تهمه الانتحال، ص ۱۰۰۵،

ناشر: مرکز المتوق، چاپ دوم، سال: ۱۴۳۲ ه.ق.

خاتمه: از خلال تحقیقات گذشته پیرامون این مسائل، آنچه برای محققان و انسانهای منصف آشکار می شود این است که انسان با انصاف که از هیچ یک دسته های شیعه و سنی نمی باشد در می یابد که این دو ادعا و دو تهمت نسبت به شیعه باطل است: (یکی از این دروغ ها)

به دروغ انتساب پیدا کردن شیعه به فقه اهل بیت علیهم السلام .

در قسمت دیگر همین کتاب، نیز دلیل ادعای خود پیرامون رفع تهمت از شیعه در مورد عدم اتصال و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام در زمینه فقهی را بیان کرده است.

فیتخلص من ما سبق:

رجحان القول ببرائة الجعفریه من تهمة الانتحال و غلبه الظن بانتفاء فقههم الي الال،

لوجود المقتضي لذلك و هو شهادة كتبنا و انتفاء المانع و هو المعارض الراجح

هران حذاء، امين بن صالح، فقه الال رضي الله عنه بين دعوي الاهمال و تهمة الانتحال، ص ۱۰۲۳،

ناشر: مركز المتوق، چاپ دوم، سال: ۱۴۳۲ هـ.ق.

نتیجه ای که از بحث های سابق به دست می آید:

قول به میرا بودن شیعه از تهمت اینکه خود را به فقه اهل بیت [علیهم السلام]

به دروغ متصل می کند، رجحان دارد، و اطمینان حاصل می شود که فقه آنها به اهل

بیت منتهی می شود، زیرا که مقتضی برای این نظریه وجود دارد و آن شهادت کتابهای

ما به این مساله است و از طرفی مانعی نیز در برابر این گفتار وجود ندارد زیرا که

معارضی که برتری بر این نظریه داشته باشد، وجود ندارد.

بنابراین راه و روش شیعیان در طول تاریخ پیروی از اهل بیت علیهم السلام بوده و

می باشد و این مساله به قدری آشکار است که حتی علمای وهابی را نیز وادار به

اعتراف نمود.

نتیجه :

دغدغه همیشگی انسان اتخاذ راهی برای دوری از گمراهی و ضلالت و اتخاذ روشی برای نیل به سعادت می باشد، حدیث ثقلین به عنوان یکی از معتبرترین احادیث در این زمینه، به روشنی عهده دار بیان این راه می باشد؛ شیعه نیز حتی به اعتراف برخی از عالمان وهابی، راه دوری از ضلالت و گمراهی را در عمل به قرآن و تعالیم عترت و در یک کلام عمل به حدیث ثقلین می داند و شیعه به مدد بهره بردن از این دو ثقل بزرگ، در همه قسمتها برنامه کامل و مدونی را برای خود مهیا کرده است و اتصال و ارتباط کاملی را بین خود و اهل بیت علیهم السلام پدید آورده است.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف